

هویت‌های ساختگی

لاک شهرت به انسان اجازه
آسوده زندگی کردن را نمی‌دهد



نوشته جوسی کرول اوتس

ترجمه پندرام هاشمی نسب

دست‌آورده نوشته است. اما چون اعتماد به نفس‌اش را در نوشتن از دست نداده بود آن را با نام مستعار اسپانیایی هنی سانتیاگوه چاپ کرده است. با این وجود می‌توان فرض کرد که علت انتخاب سانتیاگوه به جای فاجیمزه این بوده که هنگام نگارش این رمان - که روی آن یک پسر امریکایی مکزیک تیار است. او احساسات مشترک بیشتری با سانتیاگو داشته است.

گرچه ملاک و معیار در انتخاب نویسنده برگزیده خود اثر است. و نه هویت نویسنده. اما هیأت گزینش اندام کرده که. شاید در صورت آگاهی از این که نویسنده مورد نظرش یک انگلیسی تیار بوده و نه یک شهروند امریکایی مکزیک تیار. رای دیگری صادر می‌کرد.

این بسیار محتمل است که پس از دوره خاصی تیروری تمایل ما برای گمنامی. با تمایل به کشف هویت برابر و همسان شود. اما نکته ظریف‌تر آن است که. مسکن است زدايش فخرده اصلی‌مان باعث رهایی فخرده دیگرمان شود. رومن گاری. با نام مستعار فآززه می‌نویسد. بارناس کارن بلرکسن که یک نجیب‌زاده دانمارکی است. با نام مستعار آیساک دینسن می‌نویسد. که باعث برکنگیتن یک فخرده موروثی. نسله‌جو کاملاً مردانه می‌شود. جاناتان سویت نیز در طنزنامه جدی‌اش *Bickerstaff Papers*. خود را با نقاب آریاک بیکرستاف معرفی می‌کند. برخی از

(خود) و اعلام نبوده‌ام. می‌خواستیم نظاری بر زندگی شخصی دوم خود پشمه گاری در صحبت‌هایش یکی از گفته‌های فوئتنولد گویمبروویکزه. آرا نقل می‌کنند فروزی فرانسویسد که یک نویسنده به ولندنه جامی که منتقدان به او داده‌اند. اسیر و زندانی می‌شود. در سال ۱۹۸۴. آکادمی امریکا و انجمن‌های هنر و ادبیات. یکی از جایز ارزنده انجمن دانستی‌اش را به یک نویسنده جدید و احتمالاً جوان به نام هنی سانتیاگو که خود را یک شهروند امریکایی مکزیک تیار معرفی کرده بود. اصفا کرد. این نویسنده جایزه را برای *Famous All Over Town* که اولین رمان‌اش بود دریافت کرد. بعد از اتمام این جایزه معلوم شد که همین نویسنده جدید اصلاً یک شهروند امریکایی مکزیک تیار نبوده است و کسی جز نقیبل جیمز نویسنده هفتادوسه ساله نیست که مولف چنین کتاب است و نو امریکا او را بیشتر بنه عنوان یک نمایشنامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس می‌شناسند. وی یکی از اعضای پیشین حزب کمونیست امریکا بوده که در دهه ۱۹۵۰ و در جریان موج میکاز تریسم در لیست سیاه هالیوود قرار گرفته بود. به گفته خود جیمز. او از *All... Famous* را بعد از تجاری که از فعالیت اجتماعی ناوطنی‌اش در مناطق مکزیک. امریکایی لوس آنجلس در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به

وگویی تولیدی دیگر بود. به تدریج به خود نیرویی تازه می‌بخشیدم وجود هر چیزی فرصتی جدید به من می‌داده این جملات از رومن گاری است که در سال ۱۹۸۱. یک سال پس از خودکشی‌اش. در اثر *The Life and Death of Emil Ajar* انتشار یافت. این کتاب از زمانی که گاری در اثرش اعتراف کرد که چهار رمان را با نام مستعار هاسیل آزره نوشته. موج ادبی خاصی را در پاریس پدید آورد. اولین رمان چاپ شده با نام *La Vie devant* نام دارد. رمان دوم. *Le Sol* برنده جایزه گنگور ۱۹۷۵ سال شد. اما چون قوانین گنگور نویسنده را تنها یک بار صاحب این جایزه می‌سازد و گاری نیز قبلاً برنده آن شده بود. از تصاحب مجدد جایزه محروم ماند. اما در چاپ کتاب‌های فآززه تمهید استثنایی به کار گرفته شده دست نوشته‌های اولیه از رودولف وروبه پاریس پست شد. و آزرل ماشین که یکی از آثارم گاری بود. اجازه داد تا با او مصاحبه کنند و عکس بگیرند گاری در خاطراتی که پس از مرگ‌اش انتشار یافت. نوشته بود: فآز رومن گاری مشهور دیگر خسته شده بودم. وی تا پنجاه و نه سالگی. سی‌وه‌سه کتاب نوشته و به عنوان یکی از سواق ترین و تسین‌رمانگیزترین نویسندگان فرانسه برنده جایزه بسیاری شده بود. او می‌گوید من همیشه

نویسندگان زن از جمله شارلوت برونته با نام مستعار *کوریل*، و *امادین اورور لوسی* دیون؛ با نام مستعار *هوجور سنده نیز* در برهه‌ای از زمان به دلیل زندگی جامعه مردسالاری، صلاحشان را در این دیدند که آثارشان را با نام مردان به چاپ رسانند. هنگامی که *کارن بلیکسن ایساک* نویسنده دانمارکی که به‌تازگی مشهور شده، *رمان حکایت‌پارش The Angelic Avengers* را در سال ۱۹۴۴ با نام مستعار *ویبر آنرزول* به چاپ رساند، ترتیبی داد که نام منتهی و مستندپیش‌اش *وکلرا لوستنسن*، به عنوان مترجم کتاب در صفحه عنوان قرار گیرد.

به علاوه رابطه‌ای هم میان *چارلز لوتویج داجسون*؛ کشیش *آکسفورد* و *مدرس ریاضیات* و *اوریس کرول*؛ مؤلف کتاب‌های *آلیس* وجود دارد. در واقع *خان لویس کرول* تمهیدی برای فراهم آوردن زمینه نعل *فلستان گویس شیرین داجسون* بوده است. گرچه *نخیل* با عناصر آزادی و شوخ طبعی و شفاگرمیز می‌شود، اما بحث این است که هنر در نخستین مراحل تجلی‌اش یک شوخی است و آن تبحری که بر برخی نویسندگان همچون *رومن گاری ستولی* می‌شود جدی‌تر از یک شوخ‌طبعی است که در ابتدا به ذهن می‌رسد. یک نویسنده هر چه بیشتر موفق شود، شهرت جهانی‌اش نیز استوارتر خواهد بود و سوسه بیشتر در نویسنده به وجود می‌آید تا خود را رازی و بیخوشی *فلستان فری* کند. گرچه ممکن است که استفاده از نام مستعار به دلیلی منطقی صورت گرفته باشد، اما زمانی که ایسا ممکن از نام مستعار *آنرزول* استفاده کرد بسیاری از طرفداران *پر اشتیاق* خشنگ شدند کسی که به چشمان مردم دنیا آشنا می‌آید، تمایلی به زود محو شدن ندارد، اما عزیزم این میل، همواره گرایش به آزادی و تازگی در ذهن انسان وجود دارد.

هنگامی که به دلایلی جدا از انگیزه‌های درونی، همچون دلایل سیاسی، رسوایی‌ها و یا تیریز شدن انرژی، *دژر* می‌بیند این نویسنده *پرتکرار*، آثارش را با نام‌های مستعار *دکریستین بولز*، *ژان فوری* و *جورج* سپه منتشر می‌کند. این‌گونه آثار ادبی اغلب آثاری غیرجدلی تلقی می‌شوند. هنگامی که *والت ویتمن* و *سنی ویچ ساگلی*، دیواره بر خود نام *والت ویتمن* گذاشت، گویی که زندگی‌اش بر دو نیم تقسیم شده بود. در صفحه عنوان اثر *Leaves of Grass* نوشته *والت ویتمن*، که اولین بار در چهارم جولای سال ۱۸۵۵ به چاپ رسید، نام ویتمن به چشم نمی‌خورد. نام این نویسنده امریکایی *جنرال ریگری* تا صفحه بیست‌ونهم کتاب مشخص نبود. تبدیل *دیوید هنری تور* به *هنری دیوید تور* گویی، برای ابراز استقلال و هستی خلق‌السامه بوده است. همچنین است کتابک

تغییراتی همچون *ماری آنری بیل* به *باستنداله*، *ماری آن اوتاز* به *هوجور البوت*، *سیدنی کارپل کولت* به *کولت ویلی* و *ویلی*، *جوزف کنراد گورزلیوسکی* به *هوجور کنراد*، *آنتری کوردسکیو* به *دیرستان سارا*، *یورکوس استیلیانو سرفرانس* به *هوجور سرفرانس*، *زیس ویسلتو* و *ویلیو زوندا*،^۲ و *هکتور هومبولتو* به *ساکلی*؛ این تغییرات نه‌تنها بیان‌کننده گردبسی بیرونی بلکه بیانگر گردبسی درونی و نیز تعریف مجدد و آشکار خود هستند. گرچه *آریک بلر*، *فیل* از انتشار اثر *Down and Out in Paris and London* به نشرش اجازه ندهد بود تا نام مستعارش را از میان یکی از نام‌های پیشنهاد شده توسط خود او انتخاب کند، اما *طولی* یکشده که وی با نام *جورج اوویل* به شهرت رسید. *بلر* حتی در *بیست‌سال* هم با این نام معروف شده بود. *ساموئل اینگتون گلمز*، *این طنزپرداز* و *روزنامه‌نگار جوان* نیز *مخوده نگارش*‌اش را با *فرید خوشحالی مارک تواین*؛ که از *قاپوران* و *دوخته* به *گوش* رسیده بود، نامی نو می‌دهد. *زیسلی* که *طین* *کرستین* *واژه* *Huelter* به *گوش* انگلیسی‌ها ناخوشایند می‌آمد، *فورد* *مادوکس* *هاولر* به *فورد* *مادوکس* *فورده* و *گه‌گاهی* نیز به *داتل* *چاورس* و *افضل* *هیگام* *میل* شد.

نویسنده‌ای با نام *مستعار*، همانند اولین تجربه نویسنده‌ای، به انسان حس کشف خودمی می‌دهد که به واسطه تعریف مجدد خود صورت می‌گیرد. با توجه به این که *رومن گاری* می‌گوید، به خودم تیریدی تازه می‌بخشیدم، احتمال شوخی‌اش، هر چند *آرمان‌گرا* *بانه* وجود دارد. *تیلوب*، *لوسفلا* *خشتگ* *یالدار* و *استاد* *رمان* *انگلیسی*، *زمانی* *تقسیم* *گرفت* تا یکی از *کتاب‌هایش* را با نام *مستعار* منتشر کند. این کار *جلب* توجه نکرده حتی از *میران* *فروش* *کتاب* *نیز* *کاسته* *شد* و *تربوب* *هم* به *تطویر* *به* *نام* *اصلی* *خود* *روی* *آورد*. *گرچه* *تکرار* *اش* *آشکار* *دیرین* *اسینگ* *در* *چاپ* *دو* *رومان* *اش* *در* *دهه* *۱۹۸۰* با نام‌های *The Diary of a Good Neighbour* و *The Old Soul* با نام *مستعار* *وچین* *سومرز*، *مک* *همیستگ* *صنایع* *چاپ* *انگلیس* *وایالات* *مده* *بود*، *اما* *این* *احتمال* *وجود* *دارد* *که* *او* *نیز* *همانند* *رمان* *گاری* *امید* *ن* *شرفین* *ن* *تلقفه* *است* *شاید* *او* *زمانی* *داشته* *تا* *به* *عنوان* *نویسنده* *بی* *استعدان* *مطرح* *شود* *و* *توسیع* *مخاطره* *آمیز* *برسد* *که* *رومن* *گاری* *در* *تفویضات* *فرانسه* *به* *سنت* *آورد* *بود*.

اگر *رمان‌های* *سومرز* *همانند* *داستان‌های* *علمی*، *نخیلی*‌اش، *کاملاً* *متفاوت* *از* *ادبیات* *داستانی* *رئالیستی* *اسینگ* *می*، *بود*، *این* *وضعیت* *مخاطره* *آمیز* *مسیر* *کاملاً* *متفاوتی* *را* *طی* *می*، *کرد*، *واضح* *است* *که* *تجره* *عجیب* *و* *غریب* *دورس* *اسینگ* *توانست* *چیز* *مهمی* *را* *ثبت* *کند*، *زمانی* *که* *گور* *ویدال* *در* *دهه* *۱۹۵۰* *به* *چندین* *رمان* *مهیج* *را* *با* *نام* *مستعار* *دلگاز* *یا* *کس* *به*

چاپ رساند، این آثار از طرف همان نشراتی که در آن زمان به آثار داستانی ویدال توجهی نمی‌کردند، مورد تحسین و تشجید فراوان قرار گرفت. دلیل انتخاب نام *مستعار* نیز در طبق گفته ویدال این بود که *چاپ* *سومین* *رمان* *اش* *با* *نام* *the Pillar and the City* به موضوعات زشتی اشاره داشت که باعث ناخوشی *انجمن‌های ادبی* امریکا شد و در نتیجه *چاپ* *کتاب* *بعدی*‌اش *با* *تحریم* *نشران* *بزرگ* *روبرو* *شد*، *ویدال* *هم* *ناگزیر* *شد* *با* *انتخاب* *نام* *دلگاز* *یا* *کس*، *برای* *تامین* *زندگی*‌اش *در* *هر* *هشت* *روز* *یک* *رمان* *های* *نویسنده*، *جالب* *آن* *که* *زمانی* *که* *رمان* *های* *اش* *با* *نام* *دلگاز* *یا* *کس*، *به* *چاپ* *می*، *رسیدند* *مورد* *استقبال* *فراوان* *مردم* *قرار* *می*، *گرفته*، *اما* *با* *تجدید* *چاپ* *آن* *ها* *با* *نام* *گور* *ویدال*، *افراد* *کم‌تری* *به* *سراغ* *آن* *ها* *می*، *رفتند*.

تا آن جایی که من می‌دانم تا به حال *جان* *آرندیک*،^۳ *ادری* *با* *نام* *مستعار* *منتشر* *نکرده* *است*، *و* *آلایانک* *نام* *فیل* *فیول* *و* *شیرینی* *ن* *به* *راحتی* *نمی*، *توان* *از* *نام* *کاست* *شود*، *اما* *از* *شخصیت* *هنری* *یوه*، *که* *به* *طرز* *مضحکی* *به* *نام* *افتاده* *است*، *همدمی* *خلق* *کرده* *که* *به* *وضوح* *به* *جای* *او* *صحبت* *کرده* *و* *الکلاش* *را* *با* *استفاده* *از* *لحن* *های* *کتاب* *آمیز* *پنهان* *می*، *کند*.

برای نویسندگان زن، مزیت‌های استفاده از نام مستعار و حتی نام‌هایی که به نام مردان نزدیک است، همواره پدیده‌ی و آشکار بوده است. روبرت سانی^۴ به شارلوت برونته جوان می‌گوید: *ادبیات* *نمی*، *تواند* *حرفه* *زندگی* *یک* *زن* *بگذرد*، *و* *نیاید* *هم* *باشده* *از* *این* *رو* *خواهران* *برونته* *خود* *برای* *چند* *نام‌های* *مستعار* *دوگانه* *نام‌هایی* *که* *هم* *مربوط* *به* *زمان* *است* *و* *هم* *مربوط* *به* *مردان*، *انخاذ* *کردند* *و* *شارلوت* *برونته*، *الیس* *پل*، *امیلی* *برونته* *و* *اکتون* *پل*، *ان* *برونته*، *که* *هر* *کدام* *از* *این* *اسامه* *را* *به* *ترتیب* *در* *آثار* *Jane Eyre*، *Wuthering Heights* *و* *Agnes Grey* *به* *کار* *گرفتند*. هنگامی که *کتاب* *جذاب* *و* *موفق* *Jane Eyre* *در* *سال* *۱۸۴۷* *به* *چاپ* *رسید*، *دکور* *رل* *یک* *شنبه* *به* *چشم* *رسید* *که* *به* *دلیل* *آن*، *حسین* *و* *همان* *دیرینه* *جنسیت* *نویسنده* *در* *گرفت*، *مفسران* *گفتند* *معو* *ش* *و* *ذکاوت* *و* *شور* *پدیده* *به* *کار* *رفته* *در* *این* *اثر* *حاکمی* *از* *مرد* *بو* *نویسنده* *است*، *از* *استاد* *از* *سوی* *دیگر*، *حساست* *و* *نیز* *دیگاه* *مدرسه* *فهرمان* *داستان* *دلیلی* *بر* *موث* *بو* *نویسنده* *است*، *که* *هر* *تس* *مارتینوی* *زیرک*، *با* *توجه* *به* *آن* *حالتی* *که* *دورس* *پول*، *مستخدم* *بهرت‌های* *دیوانه* *حلقه‌های* *را* *به* *پرده* *می*، *دوزد* *متوجه* *شد* *که* *نویسنده* *این* *اثر* *بنا* *یک* *زن* *باشد*، *زمانی* *که* *معلوم* *شد* *دکور* *رل* *در* *واقع* *یک* *زن* *است*، *لحن* *تقد* *تغییر* *کرد* *و* *بسیار* *توسین* *آمیز* *شد* *به* *این* *نویسنده* *زن* *تهمت* *و* *قاحت* *و* *بی‌ادبی* *زدند*، *همان* *طور* *که* *این* *شوهر* *در* *اثر*

A Literature of Their Own: British Women Writers from Bronte to Lessing
 فصل هجدهمگی خواهران برنونه، قبل از انتشار آثارشان، رویای نقاب شخصیت مردانگی و به تصویر کشیدن قهرمان‌های مرد در آثارشان بوده است. خواهران برنونه در برخی آثارشان از چندین خودبه مکر استفاده کرده‌اند. شارلوت از چندین نام مستعار به عنوان یک کودک استفاده کرد که در بین آن‌ها می‌توان از وکاپیتان نام برد. هویت مردانگی شارلوت، تا حدودی از وجهه خلق و فعل شخصیت‌اش مشخص می‌گردد.

ماری آن اولدر، که از خطرات احتمالی چاپ کتاب‌های زنان آگاه بود، با همیاری و مشورت همسر غیررسمی‌اش جورج هنری لوئیس، تصمیم گرفت تا اولین کتابش *Scenes of Clerical Life* را در سال ۱۸۵۶ با نام مستعار «جورج الیوت» منتشر کند. این کتاب همانند *Adam Bede* که دو سال بعد از آن چاپ شد، به موفقیت قابل ملاحظه‌ای دست یافت و رز این نویسنده تا سال ۱۸۶۰، زمان انتشار از چهار تا *The Mill on the Floss*، ناش نشد. در این هنگام افشای هویت اصلی الیوت، تأثیر نامطلوبی بر سرنوشت این رمان گذاشت. الیوت هم به راحتی تمام پیش‌داوری‌ها را تصدیق کرد. وی از یکی از دوستانش خواست تا این سختی را که او نویسنده مقامی در دولت مینستر بوده است، پنهان کند. به نظر می‌آید این موقه نام‌های بسیاری بر خوانندگان‌اش گذاشته و اگر مشخص شود که نویسنده آن زن بوده، از میزان این تأثیر کاسته خواهد شد.

تعداد بسیاری از نویسندگان زن بریتانیایی از نام‌های مستعار مدانه استفاده کرده‌اند که در بین آن‌ها می‌توان به هویت پار با نام مستعار «هولم ای» ماری مولزورت با نام «نالیس گراهام»، ماری دان با نام «جورج اگر تون»، ویولت بیچ با نام «برنون ای»، مارجارت باربر با نام «مایکل فرانس»، الیو شریتز با نام «والف آپرتون» و جیلیان فریمن با نام «الیوت جورج» اشاره کرد. برخی از نویسندگان نیز از نام‌های دور-هلو و مهم استفاده کرده‌اند، که برخی از آن‌ها استورم جیمسون، ریکلیف هال، ای کمپتون پرنتسه، وی سکویل وست و ای اس پایت هستند. هیلدا دویلین امریکایی، به نصیحت دوست‌اش از رایباند گوش کرد و آثارش را با نام ختی و نام حدی مختصر رایبند، به چاپ رساند. رت فلاتر به هویت «فلانسیس مارجارت اسمیت به هاستون اسمیت» و لولامی اسمیت به «کازسون مک‌کارلزه مبدل» شدند. رت ناپلور کدلیف نیز ادش را با نام «مایکل کالدول» و حتی بعضی مواقع با نام «مدانه مکس رینر» به چاپ می‌رساند. برکس، سارا ایسون ویلس، یار تون

برای خود نام مستعار فتی‌فرن را برگزیده این نام طبعاً، تأثیر زینت‌باری بر شهرت این نویسنده با استفاده و ناشناخته‌گشت.

در میان کثرت مدخل‌های فرهنگ‌نامه‌های مستعار و خودمانی، نام بسیاری از نویسندگان زن وجود دارد که آثارشان را با نام‌های مستعار و نزدیکانه منتشر می‌کنند و امروزه اکثر آن‌ها برای ما ناشناخته هستند. بعضی از نویسندگان از طریق شده استفاده می‌کنند. که در بین آن‌ها برخی از نویسندگان مرد نیز بوده‌اند. اما ویلیام شارب دوست ویلیام بالزینس^۷ که بعضی از آثارش را با نام مستعار *Philomel* منتشر کرده، نمونه‌ای استثنایی است. زیرا او خود نگارش‌اش را یک زن معرفی کرده است. سیولیا پلات در سال ۱۹۶۲، سالی که خودکشی کرد، رمان خود *زندگینامه‌اش The Bell* را با نام مستعار «ویکتوریا لوکس» منتشر کرد. نگارشی پلات از این بود که توصیف طنزآمیز و شدید او از مادر قهرمان همین‌شان، باعث توهین به مادر خودش شود (که البته همین طور به شد). ظاهراً دایلوویس اسنادرگویی که از *Heart's Needle* وی یکی از نمونه‌های نخستین و موفق شعر اعتراضی است، تمایل داشته تا در دهه ۱۹۶۰ بعضی از آثارش را با نام مستعار «اس» کاربنزه بنویسد. هنگامی که کارن بلپکسن، نگارش اولین اثرش *Seven Gothic Tales* را به پایان رساند، به امید این‌که مورد توجه بسیار نشریات معتبر-کرد قرار گیرد، این اثر را با نام مستعار منتشر کرد. از رایبند که یکی از شاعران بسیار بااهلیه‌ها و است، تقی‌ماری را که مربوط به مصیقت و یا جنون‌های بوده نام‌های ویلیام الگنگ و الفرد و سیون منتشر می‌کرد.

هنگامی که ولادیمیر ناباکوف بین سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۴۰، به عنوان یک پناهنده سیاسی در برلین زندگی می‌کرد، چندین نمایش‌اش را با نام‌های مستعار روسی «ولادیس سرین» و «وی سنیزین» به چاپ رساند. مهم‌ترین نام مستعار روسی که ناباکوف برای آثارش انتخاب کرد، «سرین» بود. او نام‌های مستعار دیگری مثل «ویلی شیکوف» و «ویوان کابلین» نیز دارد. معمولاً در آثار داستانی ناباکوف، یک شادمانی هنرشناختی در تغییر هویت‌های عینی‌ها وجود دارد. چنان‌که سولفت، نه تنها نام‌های مستعار، بلکه رفتارهای شخصیت را نیز در آثارش به کار گرفته است. از این طریق طنز او ظنن شوگر و خاصی به خود گرفته است. رازی سمج و صمیمی و *A Modest Proposal*، همانند *Isaak Esq Blokeretoff* و *Papers* و «پاپسی» پرده‌پوش دولایتی در *The Drapier's Letters* خود یک مخلوق ادبی برجسته است. چنان‌که صوفیت با تحلیل خلاقش اصول جنل‌شناسی مذهبی و سیاسی را آشکارا توضیح داد،

اما معمولاً نوشته‌های او به استثنای *Gulliver's Travels* دارای اهداف خاص و محدودی بودند، خود راوی نمودی از طنز است نه یک نقاب و یا صدای خود نویسنده. مقالات بسیار تقلید شده چارلز لم به نام «ایله» که به عنوان مشاهدات یک روحانی ایتالیایی منتشر می‌شد، بعد هنرشناختی کاملی از موضوعات مورد نظر چارلز را اختیاری می‌گذاشت.

به مراتب، اکثر نویسندگان که از نام مستعار استفاده می‌کنند، نویسندگان گونه ادبی یا هنری ویژه‌ای هستند. نویسندگانی که دارای چندین نام هستند، تمایل دارند تا آثار خوب‌شان را با نام خودشان منتشر کنند، اما ممکن است که در بین نام‌های مستعارشان طبقه‌بندی نظری کیفی داشته باشند. برای مثال ارن استلی کارلر به غیر از نام اصلی‌اش، آثارش را با هفت نام مستعار دیگر به چاپ رسانده است. که یکی از این‌ها «فرانسوا ای فوره» نام جان کریس نیز جدا از نام اصلی‌اش، آثارش را با نام مستعار دیگر منتشر کرده است. که در راس آن‌ها «جی جی» ماریک به فرار دارد. «ایوان هانترو» که نام اصلی‌اش «سلاوایر ای» می‌بینونه است، نیز آثارش را با نام‌هایی همچون «هانت کارلینز»، «ریچارد مارست» و از همه معروفتر «لمک» بنام مستعار می‌کند. آدامک لژیوف نیز در چاپ آثارش از نام «بال فرنج» استفاده کرده است. داکل ناثن و مافرد لیوفسکی نیز به طور مشترک آثارشان را با نام مستعار «لاری کووین» منتشر کرده‌اند. دیگر نویسندگان داستان‌های علمی-تخیلی که از نام مستعار می‌توان به زوررت هاینلان، که آثارش را با چهار نام مستعار دیگر به غیر از نام خودش به چاپ رسانده «باری مازریگ»، که آثارش را با نام «کی ام لوجفل» منتشر می‌کند، اشاره کرد. دو نویسنده دیگر که در زمینه کاری خود - نوشتن رمان‌های پلیسی و رموز - جزو اساتید برجسته به حساب می‌آیند، دیوید کورن‌ول با نام مستعار «جان لوکارتی» و فیلس جیمزویات با نام مستعار «بی دی جیمزه هستند.

سراجام می‌توان گفت احتمال دارد که بین پرورش یک نام مستعار و پرورش رای و نظر رای که نگاه‌راننده هر اثر گذارشی است و آن را به نظر و تقلیدناپذیری می‌کند، تفاوت زیادی وجود نداشته باشد. انتخاب یک نام مستعار به عنوان موفق اصلی اثر، به سادگی چند مرحله به این روند رموز می‌آزاید و هویت اجتماعی نویسنده را محو کرده و هویت ساختگی را جایگزین آن می‌کند.

لاک شهرت، به انسان اجازه آسوده زندگی کردن را نمی‌دهد
 پی‌یوشته
 ۱. Prix Goncourt یک جایزه نقدی، از طرف آکادمی فرانسه